

فتح سومنات

بقلم آقای نصرالله فلسفی

۴

اهمیت سفر سومنات سفر سومنات در عالم اسلامی زمان سلطان محمود تأثیر فراوان کرد و موجب شهرت فوق العاده وی

گردید. چه لشکر کشی از غزنین بساحل اقیانوس هند و عبور از بیابان بی آب و گیاه پر خطری مانند صحرای تار در آن عصر کار آسان نبود، خاصه که محمود بر بزرگترین پرستشگاه قوم متعصبی مانند مردم هند می تاخت و ناگزیر بود که از میان خاک دشمن بگذرد و برای رسیدن بمقصد خویش که کعبه دشمنان بود راهی سخت و دراز پیماید. با سپاهی عظیم سفر شش ماهه پیش گرفتن و با وسائل محدود آن عصر از بیابانهای بی آب و گیاه سوزان و راههای نامعلوم پر خطر گذشتن، در خاک دشمنان متعصب بر بزرگترین معابد ایشان تاختن، با غنائم فراوان در سر زمین خصم راهی دراز پیمودن و سلامت بمقر حکمرانی خویش باز گشتن کاری بود که در آن زمان جز باتهور و بی باکی و شجاعت و مردی و تعصب سلطان محمود غزنوی انجام نمی پذیرفت. البته اگر در هندوستان حکومت مستقل واحدی وجود داشت محمود بدین سهولت بمقصد نمیرسید و یکی از اعمال عمدۀ کامیابی او آن بود که در نواحی مختلف پنجاب و سند و گجرات رایان متعدد حکومت میکردند و چون در میان غالب ایشان آتش تفاق و دورویی روشن بود سلطان محمود توانست با سانی یکایک آنانرا از میان بردارد و در راه مقصد پیش رود. در هر حال لشکر کشی سلطان محمود بسومنات یکی از بزرگترین اعمال نظامی آن عصر محسوب میشود. به همین

سبب نیز انتشار خبر فتح او در ممالک اسلامی زمان موجب شادمانی و حیرت فراوان مسالین گردید و چون نامه ای که محمود پس از بازگشت در شرح سفر خویش و ویران ساختن بتکده و کشتار هندوان بخلیفه القادر بالله نوشته بود بدو رسید سخت شادمان شد و نامه ای بافرمان حکومت خراسان و هندوستان و نیمروز و خوارزم نزد وی فرستاد و او را بافرزندان و برادران لقبهای تازه عطا کرد. چنانکه محمود را کهنف الدولة و الاسلام و پسرش مسعود را شهاب الدولة و جمال المله و پسر دیگرش محمد را جلال الدولة و جمال المله و امیر یوسف برادر شایه را عضدالدوله و مؤید المله لقب کرد و در جواب نامه محمود بدو نوشت که «تو هر که را خواهی ولیعهد خویش کن و اختیار تو اتفاق ماست» و نامه خلیفه در ماه شوال ۴۱۷ در شهر بلخ بساطان رسید.

پس از فتح سومنات سلطان محمود درزمره مردان نامی و فوق العاده روزگار در آمد و نویسندگان قرون بعد که او را وجودی فوق الطبیعه مینداشتند در باره وی افسانههای گوناگون و قصههای مختلفی ساختند که هیچیک در آثار معاصرین او یافت نمیشود. میتوان گفت که آخرین معجز بت سومنات جاودان ساختن نام محمود بود.

همراهان محمود
مسند وزارت سلطان محمود هنگام لشکر کشی
او بسومنات خالی بود، چه سلطان در آغاز سال
در سفر سومنات

۴۱۶ ابوالقاسم احمد بن حسن میمندی وزیر خویش

را که از سال ۴۰۴ بجای ابوالعباس فضل بن احمد اسفراینی بدان مقام رسیده بود معزول و در قاعه کالنجر کشمیر حبوس ساخته بود. تا سال ۴۱۸ هم که ابوعلی حسن بن احمد میکال معروف به حسنگ را بوزارت برگزید پیوسته در انتخاب وزیر مردد بود. بنابراین در سفر سومنات وزیری نداشت. پسران او محمد و مسعود نیز بگمان تریب یقین با وی همراه نبوده اند، چه از سال ۴۰۸ محمد را حکومت گوزگانان و مسعود را حکومت هرات داده بود و در لشکر کشیهای هندوستان با خود

نمی برد. از رجال دربار ابونصر مشکان صاحب دیوان رسائل و ابوالفضل بیهقی منشی دیوان مزبور و صاحب تاریخ معروف و امیر عالی قریب حاجب بزرگ و عضدالدوله امیر ابو یعقوب یوسف بن ناصرالدین برادر شاه که سه سالار بود و ابوالقاسم کثیر صاحب دیوان عرض و بکتغدی سالار غلامان و ابوالنجم ایاز بن ایماق، برخی یقیناً^۱ و برخی بقرائن تاریخی، با وی همراه بوده اند. حسنک میسکال که پس از سفر سومنات در سال ۴۱۸ بوزارت رسید بنا بر امر سلطان در نیشابور مانده و با وی نرفته بود^۲. از شعرای معروف دربار محمود نیز فرخی مساماً با او در سفر سومنات همراه بوده است. چه در ضمن قصیده ای که در گزارش این سفر ساخته، آنجا که سخن از شکستن بت سومناتست صریحاً خود را از همراهان سلطان می شمارد و میگوید:

خدای حکم چنان کرده بود کانت را / ز جای بر کند این شهریار دین پرور
بدان نیت که مر آنرا بمکه باز برد / بکند و باما اکنون همی برد هم بر

قصائد شعرادر
فتح سومنات
شعرای دربار محمود در فتح سومنات قصائیدی ساخته بوده اند که از آن جمله دو قصیده از فرخی و قسمتی از یک قصیده عسجدی در دست است.

از عنصری ملك الشعراى دربار محمود شعری مخصوص فتح سومنات دیده نشده و در قصیده ای هم که بمطاع:
ابا شنیده هنرهای خسروان بخر / بیا ز خسرو مشرق عیان بین توهنر

ساخته، و اتفاقاً با قصیده معروف فرخی در فتح سومنات يك وزن و قافیه است، با آنکه قسمتی از قوتوحات معروف محمود را نام برده از فتح سومنات سخنی نگفته است و ازین رو چنین برمی آید که آن قصیده را پیش از سال ۴۱۶ سروده است.

۱ - ابوالفضل بیهقی در تاریخ خویش همراه بودن خود را با سلطان دوسر سومنات تصریح کرده مینویسد: «... و چون از غزو سومنات باز آمدم امیر محمود نامه ای فرستاد...» بیهقی چاپ طهران ص ۲۴۲
۲ - تاریخ بیهقی چاپ طهران ص ۲۰۷



آنچه مسلم می نماید اینست که قصیده فرخی بهترین قصائد شعرا در فتح سومنات بوده است، چه سلطان آنرا از اشعار دیگران برتر شمرده و فرخی را يك پیل وار (يك بار پیل) زر بخشیده است^۱.

شاید سبب برتر شمردن قصیده فرخی گذشته از روانی و جزالت و خوبی الفاظ و شیرینی کلمات، دقت او در بیان جزئیات و وقایع و ذکر اسامی یکایک قلاع و شرح متدأب راه و عقاید کفار و مخصوصاً مدح بسیار غرا و دلپسند او در پایان قصیده از سلطان بوده است. اساساً فرخی گذشته از لحاظ ادبی و حسن انتخاب او در مضامین و استادی در تغزل برتری دیگری نیز بر معاصران خویش داشته است. این شاعر شیرین زبان هیچگاه در قصائد خود از بیان وقایع تاریخی و شرح اخلاق و احوال و کارهای بزرگ ممدوحین دریغ نکرده و مانند سایر معاصرین خود، که عنصری را نیز از آن جمله باید شمرد، بنیان قصائد را تنها بر مدح ممدوح و اغراقهای شاعرانه استوار نساخته است، بهمین سبب از دیوان او در تاریخ غزویان استفاده بسیار میتوان کرد و اخلاق و صفات ممدوحین او را بخوبی میتوان دریافت.

چنانکه در صورت فوق اشاره شد از فرخی در فتح سومنات دو قصیده در دست است، یکی در ۱۷۵ بیت که فی الحقیقه تاریخچه ای از سفر سومنات است و دیگری در ۳۷ بیت که در آن از گمراه شدن محمود هنگام مراجعت و افتادن او با سپاه بیابانی بی آب و گیاه و یافتن آب در عقب روشنائی که از جانبی پدید آمده است سخن رانده. فرخی هر دو قصیده خویش را هنگام مراجعت از سومنات بجزین در راه ساخته است و متن کامل قصائد دوگانه او که نگارنده با نسخ متعدد مقابله کرده و با تاریخ نیز تطبیق نموده است در اینجا طبع میشود: